

معرفی و نقد کتاب ۲

ایمان، اتحاد، نظم: سازمان اطلاعات پاکستان

Hans G. Keisling, Faith, Unity, Discipline: The ISI of Pakistan, London: Hurst, (2016), 308p.

کتاب مورد ارزیابی کتابی بسیار خواندنی که نویسنده آن عالم علوم سیاسی و مورخ برجسته آلمانی است. وی مدرک دکتری خود را از دانشگاه "لودویگ ماکسی میلیان" اخذ نموده و از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲ در شهرهای کویت و اسلام آباد پاکستان زندگی کرده و مسئولیت بنیاد "هانس زایدل" آلمان را به مدت ۱۳ سال در آن کشور به عهده داشته است. نویسنده کتاب در سال ۲۰۰۲ موفق به دریافت نشان لیاقت از جمهوری فدرال آلمان گردید. "کیس لینگ" فردی بسیار با هوش و روابطی بسیار نزدیک با مقامات کشوری، لشگری و اطلاعاتی کشور متوقف فیه داشته است.

وی در کتاب "ایمان، اتحاد، نظم: سازمان اطلاعات پاکستان" طی ۲۱ فصل و ۵ پیوست، شرح مبسوطی از چگونگی تشکیل سازمان اطلاعاتی پاکستان می‌دهد. از بدو تأسیس آن در سال ۱۹۴۸ و مقارن با اولین جنگ هند و پاکستان که به تشکیل کشور پاکستان انجامید تا همکاری تنگاتنگ و گسترده با سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) در طول جنگ با ارتش سرخ اتحاد شوروی در افغانستان.

این سازمان توسط سرلشگر انگلیسی که متولد استرالیا بود یعنی ژنرال "رابرت کاوت هورن"^۱ که پست جانشین ریاست ستاد ارتش پاکستان را بر عهده داشت تأسیس شد.

^۱ - Robert Cawthorne

از آن تاریخ به بعد سازمان اطلاعات پاکستان سعی در نفوذ در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و سایر کشورهای منطقه داشته است. این سازمان همچنین نقش فوق العاده مهمی در راه اندازی بزرگترین تشکیلات تروریستی منطقه یعنی طالبان را داشت که سرانجام جناحهایی از آن به نام طالبان پاکستان گریبان خود آن کشور را نیز گرفت؛ سازمانی که بعداً موجد میلاد اژدهای هفت سری به نام القاعده به رهبری "اسامه بن لادن" در قلب تشکیلات نظامی پاکستان در "ابوت آباد"^۱ شد. این تحرکات سرانجام منجر به انجام آزمایشهای هسته ای پاکستان در منطقه "چاگی" بلوچستان و پیوندهای آن با عبدالقدیر خان پدر بمب اتمی این کشور در سال ۱۹۹۸ گردید.

نویسنده با آگاهی بسیار دقیقی که حاصل معاشرت و تماسهای وی با مقامات کشوری، لشگری و اطلاعاتی در طول سالیان اقامت وی در پاکستان است توانسته پرده از روی اسرار و عملکرد آن برداشته و روایت روشنی از فعالیت سازمان اطلاعات پاکستان در کشورهای منطقه ارائه دهد.

عمده مطالب کتاب در فصول زیر و به این شرح آمده است:

۱. دهه نخست؛ ۲. عصر نخستین ژنرالها (۷۱-۱۹۵۸)؛ ۳. ذوالفقار علی بوتو؛ ۴. کارنامه دوره میانی طی ۳۰ سال (۷۷-۱۹۴۸)؛ ۵. ISI در دوران ارتشبد ضیاءالحق (۸۸-۱۹۷۷)؛ ۶. آشوب در دهه پایانی ۱۹۸۰؛ ۷. سیاست داخلی (۹۱-۱۹۸۸)؛ ۸. ISI و نواز شریف (۹۳-۱۹۹۰)؛ ۹. تاریخ تکرار می شود؛ ۱۰. سیاست خارجی و ISI؛ ۱۱. دوره دوم نخست وزیر نواز شریف (۹۹-۱۹۹۷)؛ ۱۲. افغانستان در دهه ۱۹۹۰؛ ۱۳. شورش در پنجاب؛ ۱۴. ISI در شمال شرق هند؛ ۱۵. تشکیلات سازمانی، پرسنل، بودجه ISI؛ ۱۶. ISI در دوران ارتشبد مشرف؛ ۱۷. کشمیر، دره دردسرساز؛ ۱۸. دوران آشوب (۲۰۱۰-۲۰۰۷)؛ ۱۹. تلاش برای انجام اصلاحات؛ ۲۰. ابرهایی بر فراز افق؛ ۲۱. ISI به کجا می رود؟ یکی از فصول جالب کتاب، فصل هفتم آن است که به شرح وقایع مربوط به سقوط هواپیمای ارتشبد ضیاءالحق در بهاولپور در اوت ۱۹۸۸ می پردازد. قهرمان ماجرای آن روز که در مراسم آزمایش تانک جدید ارتش پاکستان حضور داشته است ارتشبد اسلم بیگ می باشد که هنوز در قید حیات است.

^۱- Abotabad

نویسنده وی را فردی متوسط القامت و بسیار محیل و زیرک می‌داند. به گفته وی، ارتشبد بیگ از آن روز سرنوشت ساز دو روایت متفاوت دارد. روایت به وقوع پیوسته آن است که کمی بعد از پایان رزمایش، ارتشبد ضیاءالحق منطقه را با همراهان خود از جمله سفیر آمریکا در پاکستان (ارنولد رافل) که در دوران رایزنی خود نقش بسیار مهمی در کودتای شب چهارم ژوئیه ۱۹۷۸ داشت ترک می‌کند.

هواپیمای حامل آنان یک فروند هرکولس C-130 بود که در ۱۷ اوت ۱۹۸۸ به پرواز درآمد و چند دقیقه بعد سقوط کرد. ارتشبد ضیاء، سفیر آمریکا، افسر بلند پایه پنتاگون، هشت نفر ژنرال بلند پایه پاکستان، تمامی خدمه و در مجموع ۳۱ تن به هلاکت رسیدند. کمیسیون تحقیق حادثه که دهها بار تشکیل شد، علت سقوط را نقص فنی هواپیما اعلام کرد. به عقیده ناظران اسرار سقوط هواپیمای یادشده راز سر به مهری است که هرگز گشوده نخواهد شد. طرفداران تئوری توطئه، انگشت اتهام را به سوی روس‌ها، افغان‌ها، هندی‌ها، آمریکایی‌ها و پاکستانی‌ها دراز می‌کنند. خلاصه کلام آنکه، دست ارتش پاکستان برای انجام موفقیت‌آمیز چنین حادثه‌ای دیده می‌شود.

پس از این رویداد، ارتشبد اسلم بیگ با یک هواپیمای اختصاصی، خود را از آمریکا به اسلام‌آباد رسانده و در جلسه اضطراری ارتش با شرکت بلند پایگان نظامی حضور می‌یابد. در آن زمان، دوران حکومت ژنرال‌ها به سر آمده بود. ژنرال بیگ گرچه می‌توانست خود با یک کودتای نظامی قدرت را در دست بگیرد ولی بر طبق قانون اساسی پیشنهاد کرد تا غلام اسحاق خان رئیس مجلس سنا به کفالت ریاست جمهوری انتخاب شود و در عمل نیز روند امور به همین ترتیب سپری گردید.

در نخستین انتخابات پس از مرگ ارتشبد ضیاءالحق، حزب مردم پاکستان به پیروزی رسید؛ بی نظیر بوتو به نخست وزیر و غلام اسحاق خان نیز به ریاست جمهوری پاکستان منصوب شد. ارتشبد اسلم بیگ نیز به فرماندهی نیروی زمینی رسید. طنز تاریخ آنکه رئیس جمهور اعتمادی به بی نظیر بوتو نداشت و ژنرال‌های بلند پایه ارتش نیز به چشم بی اعتمادی به نخست وزیر می‌نگریستند. از این رو ارتش به یاری دوتن از افسران بلند پایه و ارشد سازمان اطلاعات پاکستان یعنی سرتیپ امتیاز احمد و سرگرد محمد عمار (که هنوز نیز مصدر کارند) عملیات "شغال نیمه شب" را طراحی کردند که به

موجب آن دو نفر یاد شده سعی کردند تا در ماههای سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۹ نمایندگان حزب مردم در مجلس ملی را با دادن رشوه علیه خانم بوتو تحریک کنند و پای نواز شریف را به میان آورند که این نقشه با شکست مواجه شد.

به هر روی، ارتشی‌ها از پای ننشستند و به تلاش خود برای سرنگونی بوتو ادامه دادند. ارتشبد بیگ برای راوی این سطور در پاسخ به این پرسش که چگونه دولت بی نظیر بوتو را سرنگون کردید (۱۹۹۱) اظهار داشت: طی نامه ای دولت و رئیس آن را به فساد متهم کردم و برای این ادعای خود امضای چندین افسر بلند پایه ارتش را پای آن گذاشتم. نامه را به غلام اسحاق خان دادم و ایشان نیز با عنایت به اختیاراتی که قانون اساسی به وی محول کرده بود کلیه مجالس ایالاتی را منحل و نخست وزیر را از کار برکنار کرد.

دکتر کیس لینگ به نقش ISI در تحولات و رویدادهای مهم کشور و کودتاها اشاره می کند، وی نقش سازمان اطلاعات پاکستان در سرنگونی دولت نواز شریف در ۱۹۹۹ و روی کار آمدن ارتشبد مشرف در اکتبر همان سال را یادآور می شود.

روایت نویسنده کتاب مورد ارزیابی، اوضاع سیاسی، نظامی و اطلاعاتی پاکستان تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی را در بر می گیرد.

کتاب "ایمان، اتحاد، نظم: سازمان اطلاعات پاکستان" مانند سناریوی یک فیلم مهیج پلیسی بسیار هیجان انگیز و در عین حال مستند نوشته شده است و از آن جایی که راوی خود شاهد بسیاری از رویدادها بوده است، از نظر اهمیت، کتابی ارزشمند و مستند به حساب می آید و در عین حال سخت خواندنی می باشد.

کیس لینگ با بودجه ای که در اختیار داشت سالانه هزاران نفر از مقامات سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و ژورنالیستی را به کوکتل پارتی‌های باغ بنیاد "هانس زایدل" دعوت می کرد و اطلاعات بسیار دقیقی را از اوضاع کشور جمع آوری می نمود. از این رو، وی در کسوت رئیس یک سازمان مردم نهاد (NGO) دست به کارهایی زد که بنا به وصیت خواجه نظام الملک در سیاست نامه، "فرستاده باید که به عده و عده کشوری که اعزام می شود واقف باشد"؛ و کیس لینگ براستی در لابلای سطور منشآتش این چنین عمل کرده است.

غلامرضا علی بابایی